

... فقط از طریق مبارزه بخاطر دفاع از میهمان است که،  
ما میتوانیم مجباً وزین را مغلوب و با آزادی ملی دستیابی بیم  
و فقط در صورت نیل به آزادی ملی است که، برای پرولتا ریا  
وسایر زحمتکشان امکان کسب آزادی فراهم  
خواهد شد. (مائوتیه دون)

پرست

## ایرانی مشرقی ترک روش فکر لر چمیش پنیر اور گانی

شماره ۲۲ - ایل ۲ - خرداد ۱۳۵۶ - روئن ۱۹۷۷

بیانین یولو ایله گندیزیک ؟  
پاپتخت یا فساد مرکزی ؟

محمد رضاشاهیں ایران قادینلارینا حقوق و شرمه سیند ان ایللر کچیر و ایللر دن برو  
دیرکه ، دربارین «عفتلهکه میں » ایران قادینلاری تشكیلاتینین باشیندنا دایانیو لکن  
سلطنتزیمی و ماتقین ایران هیئتتحاکمہ سینینیوتوں ایتلری عوام فریلیک ، دنیا افسکار  
عمو میسیند ن پردہ آسمائی ایجون اولد فوکوی «قادینلارا ڈریلمیش حقوق مسئلہ میں دہ  
بو ھدفی گود ور ایران قادینلاری ، اوللر اولد فوکویمیسی «هر جور انسان و قادرین حقوق  
قلاریند ان محروم ولار رزمینی قادرین آزاد لیعنی و حقوق دئیدکه ببر اوچ دربارے  
هیئتتحاکمہ و معدود وارلے عائلہ لرین قادرینلارینا عاید اولان مسئلہ دیر . بو آزاد لیقد ادا  
فساد و اخلاققیزیلیق معنامی دانیبیر ایران جمعیتینین زحمتکن قادرینلارینین بُو بُون  
اکثریت ھر جور حقوقدان محروم اولد فوکویی «اتلارین مہم حصہ میں » مجبوریحالدارا  
یوخاری طبقہ لرین اینجہ و اطفائی شہوت واسطہ سینہ چٹویلمیشرلار اونا گورہ که ،  
سلطنت زیمینین قادین حقوق دئیگی سو زلر قورو - بون ھاں - کوہن سوطی بیسر  
شئی دئیل دیر . قادرین « اقتضادی جمہدن مستقل و ایش جہتدن تا » مین اولاطینجا  
آزاد اولا یا پیلسز ، طبقاتی جمعیتندہ ، خصوصیلے ایران کیو امبریالیزمن جنہے سیند اسپر  
اولان بیسر جمعیتندہ ایسے بو ایش ممکن دئیل دیر اونا گورہ که ، دربارین سلطنت  
زمینین « حاکمہ هیئتین و خلقین قانین شیشه یہ تجان میونزلرین طبقاتی منافعی  
بے اشتہن احاج تعمیر ۔

ریزین قادین حقوقباره ده کی تبلیغاتی و های کوچنوهشیده - شنیده و اخوا  
- اخواها، عین زماندا ایرانین مطبوعاتیندا قادین حقوقسوزلوخو و سقطوباره ده ئله  
شئیلر اخچهورق که دنیانین آزئیندنه اونلارا تصاد فا طبیور غربیه برواسید بر که بمو  
ساتقین ورقباره لر بیر طرفد ن بو سوسنوسنیتسادی آپ وتاب ایله یازنر، او بیری طرفند نمه  
دیندن، شـ.معتـدن، شـاهـینـ اـمـلـهـ چـابـ اـطـمـعـشـ قـآنـدـ انـ، بـهـلـوـدـ رـیـانـینـ دـینـدـ اـلـیـعـیدـ  
- نـدانـ، شـاهـپـهـرـ غـلـامـضـاـ، اـشـرـفـبـهـلـوـ، شـرقـ آـذـارـیـجـانـینـ اـسـنـدـ رـآـزـمـدـ  
وـسـایـرـهـ حـاـکـمـ دـایـرـهـ لـرـ بـینـ کـرـلـاـ وـنـجـفـ زـیـارتـ نـتـهـ لـرـ بـینـدـ نـ، اـمـ جـمـعـهـ لـرـ دـنـ وـسـایـرـهـ دـنـ  
دـانـشـیـرـ وـصـفـحـهـ لـرـ بـینـ دـلدـ وـرـوـلـارـ دـونـدـ اـنـ دـاـ بـوـ اـیـشـ نـهـ دـرـجـهـ دـهـ جـیـاسـیـزـ لـیـقـ وـاـتاـ  
- نـماـلـیـقـ اـیـسـتـیـرـ !ـ نـمـوـنـهـ اـیـجـونـ "ـآـینـدـگـانـ"ـ رـوـزـنـامـهـ سـینـینـ ۱۳۵۵ نـجـیـ اـیـلـ اـسـفـنـدـینـ  
اـوـنـ بـیرـیـ تـارـیـخـلـوـ ۲۲۶۲ نـجـیـ شـمـارـهـ سـینـینـ ۱۶ نـجـیـ صـفـحـهـ سـینـ مـطـالـعـهـ ئـتـمـكـ کـایـتـ  
دـیـرـ مـوـ مـقـالـهـ اـیرـانـینـ پـایـتـختـ، جـشـمـ وـرـافـیـ، رـیـزـینـ مـبـالـغـهـ لـیـ شـکـلـهـ تـعـرـیـفـلـهـ دـیـ  
- گـیـ تـهـرـانـینـ بـیرـ فـسـادـ مـبـینـدـنـ دـانـیـشـلـیـلـ بـوـ مـرـکـزـینـ اـسـامـ ۵۷ اـیـلـ اـولـ، بـعـنـوـ  
بـهـلـوـ سـلـالـهـ سـیـلـهـ یـاـشـیـنـاـ گـلـنـدـ نـ یـدـ اـیـلـ اـولـ قـوـهـلـوـ شـدـ وـرـ وـبـتـلـهـ لـیـکـهـ دـهـ تـقـرـیـساـ  
عقلـهـ سـیـخـمـازـ حـقـقـوـلـوـنـوـ، اـقـتـصـادـیـ اـسـارـتـ وـقـادـیـنـیـلـاـ اـولـ تـحـقـیرـ وـتـوـهـنـلـرـ نـدـ هـشـ  
- تـلـیـ نـمـوـنـهـ سـیدـ بـرـ وـرـلـنـ مـلـعـومـاتـ ذـوـسـتـرـیـکـهـ بـوـ مـرـکـزـهـ یـاـشـامـاـقـ اـیـجـونـ ۷۰ـلـیـزـنـیـ  
سـاتـانـ قـادـینـلـارـینـ ۹۶% سـوـادـسـیـزـ، ۷۰ـلـیـزـرـدـ بـوـ مـرـکـزـهـ دـوـشـمـ دـنـ اـوـلـ کـلـفـتـ توـخـوـجـوـ  
سـادـهـ کـارـگـرـ بـرـسـتـارـ، رـاقـاصـ، سـاتـیـجـیـ، منـشـیـ وـسـایـرـهـ اـطـمـوشـ لـرـ وـارـلـاـرـ اـطـمـوشـ دـرـوـ  
دـوـشـمـ مـبـینـ سـبـیـ یـوـخـسـلـیـقـ، اـقـتـصـادـیـ فـشـارـ، حـاـکـمـ طـبـقـهـ لـرـ وـارـلـاـرـ اـطـمـوشـ دـرـوـ  
بـهـلـوـ رـیـمـیـ وـطـبـقـاتـ جـمـعـیـتـیـنـ یـرـبـانـیـ اـطـمـوشـ بـوـ زـاـلـلـ قـادـینـلـارـینـ دـئـمـکـ اـوـلـارـهـ مـیـسـ  
جـوانـ وـانـزـیـ جـهـتـنـ جـمـعـیـتـهـ اـنـ خـیـرـلـ اـولـ اـنـسـانـزـرـدـ بـرـزـ، بـوـمـونـاـکـشـرـوـ  
حـاـکـمـ دـایـرـهـ لـرـ وـتـهـرـانـینـ شـتـالـینـدـاـ یـاـشـیـانـلـارـینـ دـینـنـ کـتـبـیـبـ بـوـراـیـاـ گـلـمـیـشـلـرـ رـوـزـنـامـهـ  
نـیـنـ بـوـدـبـخـتـلـیـنـ مـرـکـزـنـدـنـ وـدـیـکـ مـلـعـومـاتـنـ اـنـ دـهـتـلـیـ مـنـ، اـنـ فـاجـعـهـ لـیـسـ اـیـنـدـنـ  
عـبـاـرـتـدـیرـ کـهـ، سـوـنـ زـمـانـلـارـدـ اـتـقـلـمـوـشـ آـمـارـاـ گـوـرـهـ بـوـ مـرـکـزـهـ کـیـ قـادـینـلـارـینـ ۱/۴ـهـ آـنـدـ  
اـشـنـاقـ صـاحـبـیـ دـیـرـ وـ حـفـرـیـاـلـاـرـینـ یـاـشـاتـلـاعـ اـیـجـونـ، چـارـهـ سـیـزـلـیـکـنـ بـوـ مـرـکـزـهـ گـلـمـیـشـلـرـ  
بـتـلـهـ بـیـرـ خـمـرـیـ شـنـیدـهـ نـ هـرـ جـدـانـلـ اـنـسـانـنـ وـارـیـغـ سـارـسـیـرـ وـبـهـلـوـ رـیـمـیـهـ لـعـتـلـهـ  
یـاـغـدـرـیـرـهـ اـیـگـرـمـنـجـسـیـ عـصـرـینـ سـوـتـلـارـیـنـداـ، گـزـرـدـهـ اـیرـ کـمـیـ شـرـوتـ مـنـبـیـ اـولـانـ  
بـیـرـئـلـکـهـ دـهـ، اـوـنـ مـیـنـلـرـجـهـ وـشـایـدـهـ بـیـزـ مـیـنـلـرـجـهـ آـنـلـارـ، ٹـوـزـبـالـاـلـارـینـ یـاـشـاتـلـاـقـدـانـ  
ٹـوـرـوـ فـاحـشـهـ لـیـکـنـدـیـرـلـرـ بـشـرـیـتـ تـارـیـخـیـنـ لـکـهـ اـوـلـانـ بـتـلـهـ بـیـرـ نـنـکـ نـهـ زـمانـ وـهـارـاـدـ اـگـوـرـوـ  
- نـمـوـشـ دـوـرـ وـرـ؟ـ بـوـ آـتـالـیـنـاـ، قـادـینـلـیـنـاـ اـنـ بـوـ یـوـتـ تـحـقـیرـ، تـوـهـیـنـ وـقـارـتـدـیرـ مـوـ  
آـرـدـ دـوـدـوـنـجـیـ صـفـحـهـ دـهـ

بنای این بی اعتمانی ، در بوقه<sup>۲</sup> فراموشی نهادن ، منح نعمت و آجاتان بر خورد  
شمانه به آن از طرف مطبوعات خارج از کشور و سازمانهای آنها عطیست غلط و غیرمارکسیس  
تس . زیرا چنین کاری بعوارات جهات زبانگو آن این نتیجه را نیز بیار خواهد  
ورد که ، سازمانهای مشرق و مارکسیست‌ایران تتوانند برنامه<sup>۳</sup> ملی صحیح برای میهن کیر  
لله<sup>۴</sup> ما تنظیم کنند . چنانکه تا کنون در ایران بودن بحث و بررسیهای لازم برایه<sup>۵</sup> مسئله  
ملی « برنامه<sup>۶</sup> صحیح نیز برای آن تنظیم نگشته است . نه تنها در میهن ما ایران « ملکه  
دن ون بختها و آموزشیهای لام حقایق عینی ملی و ( بد و در نظر ) گرفتن کلیه<sup>۷</sup> شرایط عمومی  
تاریخی - مخففن در یک تکور معین<sup>۸</sup> مارکسیستهای این کشور بهمین وجه خواهند توانست

ارائه نداده اند؟ چرا در مسئلهٔ ملی جز لین مالی چیزی انجام نمیده هند؟ چرا نامسی خواهند بدانند که، مخفی کردن و انکار نمودن در راه علاج آن نمیتواند باشد؟ پس از انتشار بیرلیک با آذش زمان مطبوعات خارج کشور بتدریج مسئلهٔ ملی در رکور مانزاد رصفحات خود مورد بررسی قرار میدهند. این بحثها بطورکل مایهٔ مسرت مبارزان راه آزادی مطل محروم و سازمانهای آنها و اقتابیون راستین کشورمان میباشد. اما این برخورد - ها هنوز راه صحیح علی و مارکیستی خود را بیافته و آنده بمحض بفرز استه از این بحثها که، اخیراً در مطبوعات خارج کشور منتشر شده، مقاله ایستکه، «ماهنه سفاره سین» در شمارهٔ ۹ خود بعنوانسته و گمین مالکرد نهضت پر افخار ۲ آذر تحقیق عنوان «حق تعبین سرنوشت ربرا برسته» دن نموده است. این مقاله که، د صفحه و نیم ما هنامه را شخمال نموده، به موازات مسائل جالبد ربارهٔ مسئلهٔ ملی در میهن‌مه حاوی برخوردی نزینماهه باشد. «بیرلیک» میباشد که، مارا مجبور بنشوشن این سطور نمود.

بخشنامی این مقاله تراویح حساسات خاصیسته، نویسنده با آن میخواهد خود را رفتار حقیق و مارکیست مسئلهٔ ملی در ایران و پشتیبان راستین مل محروم آن در مبارزهٔ شاند در راه آزادی ملی شان دهد. برای تبلیغ این هدف خواسته با کلام تو جلانتیشن از نهضت ۲ آذر دفاع میکند، از اشکال گناهگان ستم ملی سخن بیان میکند، ایجاد حکومت مرکزی مقدت را طرف تگلیمها میآورد، «جهان معلم انقلاب مشروطیت را تایید میکند»، ایجاد حکومت مرکزی مقدت را طرف تگلیمها بدست رضاخان قرقاچ را شناس میدهد، «برافراختن بزم شویسم فارس چیستحکمه و سرکوب رکات آزادی بخشنده مل محروم ایران توسط رضاخان را افشا مینماید»، سرکوب قیام خیابانی، «جنپشماهی آردی ایتینجن صفحه ده

## دفاعاً عن حقوق ملل محروم يا تشويش اذهان؟

پس از تحمیل کوتای نتیجه ۲۸ مرداد از جانب امیریالیم آمریکا بزمتکان و ملل محروم ایران، عده<sup>۱</sup> مهاجرین ایران در کشورهای ارها غرسی و امریکا رمه فرزشی نهاده اندیاد مهاجرین سبب پیدایش سازمانها، گروهها، جمعیتها و اورگان های آنها گردید. مطام این سازمانها و او رکنیهای آنها با همه اختلاف مسلک و راه و روشنایی گوناگون و حق متضاد خود، دشمن رزیم سلطنت بد علیه امیریالیم و هیئت حاکمه<sup>۲</sup> نوک و هجین در راه برقراری حکومت دموکراتیک در ایران مبارزه میکنند مبانظر اجمالی باین مطبوعات که، عده<sup>۳</sup> آنها بالغ بر بیست میلیارد شاهد میگردند که «در آنها، بموازات افتخار همه جانبیه رزیم سلطنت و هیئت حاکمه و امیریالیم، جهات مختلف مبارزه علیه رزیم و هجین بیروهای اجتماعی میبین مان و مسائل متعدد مر» بوطیه آن مورد بحث و پرسی گسترده‌اند قرار گرفته و میگردند «بدون مبالغه میتوان گفت که، در این مطبوعات، با وجود برخورد های متفاوت و حق متضاد، در رباره تمام مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، توریک وغیره مربوط بمهین مان اظهار نظر میشود. این حقیقت بطور کل نمایشگر صداقت بمعارزه علیه رزیم میباشد. زیرا هر انقاذه تحول در اجتماعی ضمناً استلزم شناختن اتمام بدیده های اقتصادی، اجتماعی سیاسی و پیروهای اجتماعی منتهکه آن احتیاط است. بدون این شناخت دقيق، صحیح و همه جا به صحبتاً انقلاب و تحول بنیادی جامعه جز سخن پردازی و احساسات بین نتیجه نخواهد بود.

با وجود اینکه همه و یا اکثر مرضوهات اجتماعی میبین مان که، برای انقلاب دموکراتیک نوین ضروریست، در این جراید مورد بحث و پرسی قرار گرفته و میگردند، یکانه مسئله ای که در آنها بند رتبه بضم میخورد، مسئله<sup>۴</sup> ملی در ایران میباشد که، یکی از مهم ترین مسائل و دردهای اجتماعی میبین ماست با وجود اینکه بعضیها بعنوان «اقسامه» خلقهای ایران، چون محمد رضاشاه، منکر وجود ملیتیهای ایران نیز میباشند، عده<sup>۵</sup> خیلی از این مطبوعات و سازمانها به کیر الله بودن میبین ما اعتقاد دارند. ولی این اعتراضات کافی نیست، زیرا نیروی ملی در هر کشور کیر الله و از آنجهle ایران، یکی از اهر مهای محركه<sup>۶</sup> اجتماعی و توده ای در هر انقلاب دموکراتیک و هجین بیرون از این انقلاب دموکراتیک

نوین کشور مخواهد بود.

و می‌لین در تقدیم روزا لوکزامبورگ مینهتمد؛ (در باختر قسمت قاره، اروپا، در  
انقلاب‌ها) بیورزا د موکراتیک فاصله زمانی نسبتاً معین را اشغال مینماید که، تقریباً  
از مال ۱۷۸۹ تا ۱۸۷۱ طول می‌کند. همین درجه درجه "جنبش‌های ملی و تشکیل  
دولت‌های ملیست". در پایان این درجه، اروپای باختری به سیاست سر و صورت یافته‌ای از  
دولت‌های بورژوازی بد، نگردید که، طبق قاعده "عمومی دولت‌های واحد ملی بودند" به این  
جهت در حال حاضر جستجوی حق تعیین سر نوشت در برپانه های سوسیالیست‌های رهای  
باختری محنایش‌بین نبرد ن بالفای هارکیسیم است. (لینین، آثار منتخبه در ریث جلد  
۳ / ص ۳۵۴-۳۵۶) این، گفته‌های لینین نشان میدهد که، طرح مسئله ملی در برپانه  
احزاب مترقب کشورهاییکه، از یک‌ملت واحد تشکیل شده، در ارادی دولت واحد ملی عاری  
از سنت ملی می‌باشد" کار بیهوده؛ نبرد ن بالفای هارکیسیم و حرکت‌نیست، معنای  
دیگر این جمله های لینین لزوم طرح مسئله ملی در برپانه "احزاب مترقب کشورهای کیراله  
ای می‌باشد" که، در آنچه‌ها ملت حاکم و مل دیگر محروم از حقوق ملی می‌باشدند، عدم طرح  
مسئله ملی در چنین کشورهایی دم، اثر ناخود آگاهانه باشد، بنظرما بی نبرد ن بالفای  
هارکیسیم است و اگر آگاهانه باشد، "تبیانت بسته" دا و دست کتاب ریختن به آسیاب راجع  
و حرکت‌علیه انقلاب د موکراتیک نوین، می‌باشد. این فکر ما نیز چیزی جز گفته لینین نیست  
که می‌گوید: (هر آینه اگر ما شعار حق جدا شدن را بیان نکنیم و آنرا تبلیغ ننماییم،  
نه تنها بنفع بورژوازی، بلکه همچنین بنفع شفید الها و حکومت ملت‌ستمفر عمل کرده است)

تفرقه سالانلارى و بېرلىگى بوزانلارى افشا ئىدەك!





